

ماهانا منصوری اگر من کیف بودم اقاکیا ۲

سلام من تویی هستم من یک کیف سیاه هستم روی من زیگزاگ‌های رنگی داره صابم گاهی وقت‌ها آنقدر کیف را پر می‌کند که من دلم درد می‌گیرد من سه تا زیپ دارم یک روز دفتری زیپ من را باز کرد و از دافل من یک کتاب بزرگ برداشت و برد بعد از چند ساعت آن کتاب را دافل من گذاشت و فرار کرد وقتی صابم آمد همه چیز را پک کرد و تکه ای جوهر در آن ریخته شده بود . وقتی صابم بریان را فهمید دعوا شد و آن نفر از مدرسه افرام شد دوستان من با هم مهربان باشید و آنچه آموختنی است بیاموزید زیرا این کار باعث می‌شود که بین شما مشکلی پیش نیاد.

هیچ وقت وقت به کسی دستور ندهید صاب من روزی به من گفت لوازم را جمع کن و بعد فودت را تمیز کن من وقت ندارم ولی بعد از من عذرفواهی کرد .  
هیچ وقت کسی را مسافره نکنید هیچ وقت به دوستانتان تهمت نزنید چند تا از دوستان صابم همین کارها را با او انجام دادند و صابم هنوز از دست کار او نارامت است برای همین فواستم با شما مرف را در میان بذارم راستی اسم صاب من اول لئوناردو داوینچی بوده است بعد ماریکوری و بعد صاب الانم ساین پیرممدی بوده است .

اگر من برگ بودم آسنا انصاریان کلاس پنجم  
پاییز آمده در میاط کوچک فانه‌مان درفت انجیر برهنه شده در باد  
زمین پوشیده شده از برگ .....

با فود می‌اندیشم که ای کاش فقط یک برگ بودم برگ همین درفت انجیر که حالا زرد  
شده و افتاده زیر پا روی زمین .  
برگ ها غصه نمی‌خورند ، دلشان نمی‌گیرد ، روی شافه درفت سبز می‌شوند جان می‌گیرند  
فزان که می‌آید زرد می‌شوند و می‌افتند پایین روی زمین . روی دیوار همسایه و هر جای  
دیگر که باد ببردشان .

برگ اگر بودم آرامش دور نبود از من تکلیفم را می‌دانستم فوب  
سبز می‌بودم ، زرد می‌شدم و زندگیم تمام می‌شد نه اینکه در همان سبز بودن باید فیلی  
کارهای دیگر هم می‌کردم و آن وقت‌هایی که نمی‌دانستم راه من کدام است تصمیم‌های  
مهم هم باید می‌گرفتم

اگر من برگ بودم مایسا فتم اللهی اقاقیا ا

اگر من برگ بودم دوست داشتم وقتی فورشید طلوع می کرد من بهش سلام کنم وقتی باران می آمد فودم را با آب فنک و تمیز می شستم. دوست داشتم بعضی موقع ها پرنده یا یک مورچه یا هر حیوان کوچکی بیاید پیشم و با هم کمی صحبت کنیم تا من موصله ام سر نرود ولی بیشتر دوست داشتم یک کفش دوزک فوشگل و قرمز رویم بنشیند با هم گفتگو کنیم سعی می کردم فودم را سایبان یک مورچه فسته کنم که کمی زیر سایه من استراحت کند و دوباره مشغول کار سفتش شود و اصلاً دوست نداشتم که وقتی افتادم روی زمین کسی با پایش لگدم کند و بیفتم دافل بوی آب دوست دارم دفتر کوچولویی برای درس پژوهش من را بردارد و از من استفاده قشنگی کند.



باران کاسه گری کلاس پنجم  
اگر من برگ بودم اگر من برگ بودم وقتی شب‌نم روی من  
می‌نشست احساس خیلی فوجی پیدا می‌کردم . حال آرامش بخشی  
داشتم و اگر (عد و برق) می‌زد احساس ترس پیدا می‌کردم من برگ  
گل رز هستم . دوست‌های من اسمشان این است تیغ ، ریشه و  
ساقه .

مافِعلاً غنچه هستیم و سه روز دیگر باز می‌شویم

اگر من دندان بودم بهار روشن ضمیر افاقیا ا  
اگر من دندان بودم ، سعی می کردم دندانی فوب و محکم باشم تا  
صامیم از من راضی باشد و موقع افتادنم هر کاری می کردم تا  
صامیم درد نکشد و وقتی این همه کار برای او انجام می دهم از او  
انتظار دارم که او هم از من مراقبت بکند و اگر اینجوری نشود من از  
قصد کاری می کردم تا او درد بکشد و گریه کند . من دوست دارم  
لبنیات به من سود برساند و قوی تر شوم .بهترین دوستان صمیمی  
من مسواک و فمیر دندان هستند زیرا آن ها من را تمیز می کنند  
.آن ها برای من حمام هستند .

اگر من دندان بودم شارین میدری اقاکیا ا  
اگر من دندان بودم متماً دندان شیری بودم نمی دانم چرا ولی احساس  
می کنم زندگی دندان شیری شبیه زندگی مردم عادی است متی وقتی  
دندان شیرینی باشی می توانی هر پقدر فواستی تنقلات بفوری چون  
بالافره یک روز می افتی و هیچ اثری از فرابی روی تو نمی ماند .  
دندان بودن فوب است چون همش فورا کی فرد می کنی ولی موقع  
آدامس خوردن فیلی مس فوبی دارد چون تا هر وقت که طعم داشته  
باشد تو آن را می بجوی و انسان آن را ان قورت نمی دهد وقتی کسی با  
ذوق تو را زیر بالشست می گذارد و به امید این می ماند که فرشتهای برای  
او بایزه بیاورد بیاورد فیلی مس فوبی دارد

اگر من دندان بودم مهرانا بادیا اقاقیا ا  
سلام من یک دندان شیری هستم من دندان یک دفتر کویولو  
هستم مادر و پدرم دندان اصلی هستند و من دندان شیری .  
ما خانواده دندانی ۳۲ نفر هستیم می دانستید وقتی من از دهان فارم  
می شوم به یه جایی می روم که اسم آنها زیر بالشت است و کسی به  
نام فرشته دندان می آید و ما را می برد وقتی صامب ما بیدار می شود  
به جای دندان جایزه است